

ادبیات و حقوق در پرتو مطالعات میان‌رشته‌ای

امین جعفری^۱

علی مولا بیگی^۲

چکیده

مطالعات میان‌رشته‌ای باعث تعامل میان دو یا چند رشته مختلف و زمینه‌سازی برای رشد و توسعه علوم و افزایش توانمندی آنان برای حل مشکل‌های پیچیده و چند وجهی می‌شود. این تعامل می‌تواند از تبادل ساده نظرات تا همگرایی متقابل مفاهیم، روش‌شناسی، رویه‌ها و معرفت‌شناسی، اصطلاح‌شناسی داده‌ها، سازمان‌دهی تحقیق و آموزش در عرصه‌های گسترده گردد. ادبیات و حقوق از آنجا که موضوعات یکسانی برای بحث دارند، موجب شده تا بتوان نگاه میان‌رشته‌ای به این دو حوزه داشت و نباید به خاطر آنکه یکی بیشتر حالت منطق‌گرایانه داشته و دیگر حالت احساس‌مدارانه، آن دو را از هم دور تصور نمود. «ادبیات حقوقی» ضمن گسترش دامنه موضوع برای نگارش داستان‌ها، موجب خارج شدن مباحث خشک و بی‌روح حقوقی می‌شود و روشی برای تدریس در دانشکده‌های حقوق، آگاه‌سازی عمومی مردم و همچنین امکان انتقاد از سیاست‌گذاری تقنینی و اجرایی را فراهم می‌سازد.

کلیدواژه: مطالعات میان‌رشته‌ای، ادبیات، حقوق، ادبیات حقوقی

۱. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران

Email: Amin.jafari@atu.ir

۲. دانشجوی دکتری جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه علامه طباطبایی تهران

Email: keykhosrow۷۱@yahoo.com

رشد و توسعه علوم و توجه به جزئیات آنها باعث شده است، به رغم تفکیک و تقسیم‌بندی‌شان در گرایش‌های مختلف؛ به شدت با یک دیگر تلاقی داشته باشند. با توجه به این که علم در تولید، تجزیه و گسترش از منبع و وسیله‌ای به نام عقل انسانی برخوردار است. به‌طور طبیعی همه علوم به‌رغم گستردگی دارای شباهت‌ها و فصل‌های مشترک قابل تأملی هستند.

در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم برخی از اندیشمندان به ویژه فلاسفه و جامعه‌شناسانی چون دیوید ایستون^۱ و رونالد چیلکوت^۲، بر آن بودند که گذشت زمان و تحول جوامع موجب شده است تا علوم انسانی سنتی نتوانند پاسخ‌گوی نیازهای جوامع بشری باشند. لذا ضرورت گرایش به سمت حوزه‌های علمی نوین به ویژه حوزه‌های علمی ترکیبی کاملاً احساس شد.^۳ این موضوع در علم حقوق هم نمایان است. این علم با علوم دیگری هم‌چون؛ سیاست، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، تاریخ، روان‌شناسی و حتی ادبیات در ارتباط است. در این بین دلیل ارتباط میان حقوق و ادبیات از آن‌رو است که «هر دو آن‌ها زمینه‌ساز فطرت انسانی و به عنوان ساختار تحقیقاتی‌شان، جامعه و انسان را هدف قرار می‌دهند و به طور کلی می‌توان گفت محتوای اساسی این دو علم در برخی موارد هم‌پوشانی دارد».^۴ توجه ادبیات، به حوزه و مطالب حقوقی آن‌چنان بوده است که برخی اندیشمندان، کافکا را به خاطر آن که در آثارش به اندیشه‌ها و مسائل اجتماعی - اقتصادی فراوانی پرداخته، را پایه‌گذار اساس دکتترین حقوق خصوصی مدرن عنوان می‌کنند.^۵ یا آن که به‌خاطر وجود مسائل سرکوب‌گری، انتقام و روایت‌های آن‌ها در ادبیات از اصطلاح «قانون‌گرایی ددمنشانه»^۶ در آثار ادبی یاد کرده‌اند. مراد از این اصطلاح «حالتی ذهنی است که شخصیت انسان به سرکوب نیروی عشق طبیعی، قدرت و جامعه از طریق تحریف روایت و عقلانیت عمیق دست می‌زند».^۷ با این حال برخی چون بنتام^۸ که از نظر فکری به گروه سوداگران^۹ تعلق دارد، ارزشی برای شعر

۱. D. easton

۲. R. chilcote

۳. احمدوند، شجاع و دیگران؛ «چهار روایت در فهم معنای مطالعات میان‌رشته‌ای»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، (۱۳۹۲)، شماره ۲۱، ۳۲.

۴. Li-ching chang. (۲۰۰۸); The research of comparison between law and literature as illustrated by kafka's the Trial; National Taiwan university law review. P ۷۱.

۵. Weisberg, Robert (۲۰۱۳); The law - literature Enterprise. Volume ۱, Issue ۱, Yale Journal of law the Humanities, Article ۴, p. ۲۸.

۶. wordy legalism

۷. Ibid, p ۳۲.

۸. J. bentham

۹. Utilitarian

و ادبیات قائل نیست و با مقایسه آن با یک بازی بی‌ارزش به نام پوشیین سعی در تمسخر آن دارد.^۱ با این اوصاف در ایران حدود چهل سال از مطرح شدن رابطه میان حقوق و ادبیات تحت عنوان «ادبیات حقوقی» می‌گذرد؛ اما تاکنون قدم آن‌چنانی در این حوزه برداشته نشده است.^۲ اندیشمندان خارجی در این خصوص فعالیت‌های چشم‌گیری داشته و مخالفان و موافقان در این راه به قلم‌فرسایی گسترده دست زده‌اند.^۳ بر خلاف ایران که در این حوزه کارهای اندکی صورت گرفته است.

پژوهش پیش‌رو سعی دارد در ابتدا به چرایی لزوم مطالعه میان‌رشته‌ای - از جمله حقوق و ادبیات - اشاره کند (بخش نخست) و آن‌گاه در قسمت دوم، ضمن اشاره به چیستی ادبیات حقوقی به تأثیرات متقابل ادبیات و حقوق بر یک‌دیگر بپردازد تا از این طریق بتواند دیگر اندیشمندان حقوقی را نسبت به این حوزه آگاه سازد (بخش دوم).

۱- ضرورت لزوم مطالعه میان‌رشته‌ای

مطالعات میان‌رشته‌ای ارتباط تکمیلی متقابل با شاخه‌های مختلف دانش دارد. به عبارت دیگر میان رشته‌ای نقطه متقابل رهیافت حصرگرایی و به قصد درمان و پیشگیری از آفات این رویکرد ایجاد شده

۱. میلر، جی. هیلپس، پیرلمون ادبیات، ترجمه: علی اصغر لبرلمیمی، چاپ ۱، نی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۲.
۲. آزمایش، سیدعلی، نشست دو سالانه انجمن حقوق‌شناسی، ۱۳۹۳، قبل دسترس است در سایت:

<https://www.atnanews.ir/archives/۷۴۷۶۰>.

۳. به نظر می‌رسد، استاد جعفری لنگرودی را از یک‌سو به خاطر توجه‌اش به کارکرد لپزار ادبی برای تحلیل و تفسیر قوانین حقوقی و از سوی دیگر تخصص و احاطه علمی‌اش به هر دو حوزه حقوق و ادبیات، جزء اولین نویسندگان جنبش حقوق و ادبیات در ایران دانست. به جرأت وی را با توجه به تخصصش در رشته‌های گوناگون می‌توان جزء اندیشمندان پُل رابطه (Bridge scientist) محسوب کرد. مراد از اندیشمندان پُل «گروهی از دانشمندان هستند که در پیش از یک رشته تخصص دارند و بر این عقیده هستند که به جای کاربرد تک تک آن علوم، می‌توان به صورت مکمل و جامع از آن‌ها بهره برد» رجوع شود به: احمدوند و دیگران، ۱۳۹۲، پیشین، ۱۷۹.

۴. در خصوص کارهای صورت گرفته در ایران می‌توان برای نمونه به کارهای تألیفی و یا ترجمه‌ای زیر اشاره نمود:
الف. ایمانی، عباس، جرم‌شناسی در ادبیات، نامه هستی، چاپ ۱، (۱۳۹۰)
ب. ماهوری، فیلیپ، ادبیات و حقوق، مرتضی کلانتریان (مترجم)، آگاه، چاپ ۱، (۱۳۸۱)
پ. پورحسن سنگری، علی، «بررسی قصه‌های کلیله و دمنه از منظر جرم‌شناسی و سیاست جنایی»، فصل‌نامه تعالی حقوق، سال پنجم، شماره ۵، زمستان، (۱۳۹۲)؛ ص ۱۶۱، ۱۸۵.
ت. رستمی، هادی و مولایی، علی، «خوانش‌های جرم‌شناسانه آثار سعدی (با تأکید بر گلستان و بوستان)»، فصل‌نامه تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۷۷، (۱۳۹۶)، ص ۲۲۹، ۲۶۳.

Δ. A. Thompson, Nicole, Literature's Influence on the Law and Legal Actars, A dissertation submitted in partial fulfilment of the degree of Bachelor of Laws (with Honours) at the University of Otago, In: <http://www.otago.ac.nz/> ۲۰۱۲.

B. li- ching chang, "۲۰۰۸" The research of comparison between law and literature as illustrated by kafka's the trial, national Taiwan university law review



است. در تعریف مطالعات میان‌رشته‌ای آن را فرایند «پاسخ‌گویی به یک پرسش، حل مسئله یا بررسی موضوعی آن‌چنان گسترده و پیچیده می‌دانند که نمی‌تواند به وسیلهٔ یک رشته یا یک حرفه حل شود»^۱ دانسته‌اند. در تعریف دیگر، میان‌رشته‌ای عبارت است از «تلفیق دانش، روش و تجارب دو یا چند حوزه علمی و تخصصی برای شناخت و حل یک مسئله پیچیده یا مفصل اجتماعی چند وجهی»^۲. در خصوص آن‌که چرا مطالعه میان‌رشته‌ای لازم است، اندیشمندان دلایل متعددی را ارائه کرده‌اند که می‌توان آن را در سه مورد خلاصه نمود.

۱-۱- خطاپذیر بودن دانش

بشر نمی‌تواند به تمامی زوایای علم و دانش احاطه پیدا کند. از طرف دیگر تنوع و گستردگی شاخه‌های مختلف علمی اقتضا می‌کند که اندیشمندان برای به حداقل رساندن خطاها در روش استنباطی، استدلالی و تجربی، از حداکثر اشتراکات علمی استفاده کنند. به عبارت دیگر به کارگیری روش‌ها و رهیافت‌های علوم مختلف در تحلیل یک مسئله باعث استمرار الگوی کار و افزایش اثر بخشی بیشتر می‌شود. در واقع استفاده از حوزه‌های تخصصی گوناگون در مطالعهٔ یک مسئله، نظام معرفتی نوینی ایجاد می‌کند.^۳ بر هر انسان عاقل و محقق مسلم است که در جهت به حداقل رساندن اشتباهات خود برآید؛ زیرا هدف علم، معلوم ساختن و هموار کردن امور است و در ادیان الهی مانند اسلام، عنصر مشورت و استفاده از عقول دیگران برای رسیدن به بهترین راهکار مورد تأکید و سفارش قرار گرفته است.^۴ در این راستا توجه به مطالعات میان‌رشته‌ای می‌تواند زمینه‌ساز همکاری بین حوزه‌های علمی متعدد برای به حداقل رساندن اشتباه باشد. ادبیات را همانند علم جرم‌شناسی چهار راه علوم می‌توان دانست؛ زیرا از اطلاعات رشته‌های دیگر همانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، حقوق و دیگر رشته‌ها استفاده کرده و حتی بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

۱-۲- مکمل‌سازی و جامع‌نگری

یکی از اهداف میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی مشاهده پدیده‌ها، مکمل‌سازی، تداخل، ترکیب و نفی

۱. قاسمی، علی‌اصغر و نسیمی، رضیه، «فقدان جایگاه مطالعات میان‌رشته‌ای در رشد و توسعه علوم انسانی در کشور»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره هفتم، ش ۴، (۱۳۹۴)، ص ۵.
۲. خورسندی طلسمکوه، «تنوع گونه شناختی در آموزش و پژوهش میان رشته‌ای»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ش ۴، (۱۳۸۸)، ص ۶۹.
۳. قراملکی، فرامرزی، اصول و فنون پژوهش در گستره دین‌پژوهی، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳، ص ۲۵۳.
۴. لبرلمیمی، مرتضی، «بررسی ضرورت‌های مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۶، ش ۲، ۱۳۹۳، ص ۲۵.

تخصص‌گرایی در حیطه‌های معین است. به این معنا که رشته‌های تخصصی کم و بیش باید از چند و چون رشته‌های همسایه خود مطلع باشند، تا از نگاه جامع‌تری برخوردار شوند و در نتیجه از حالت تک بُعدی دیدن پدیده‌ها اجتناب ورزند. در مطالعات میان‌رشته‌ای ضمن بهره‌برداری از دستاوردهای علوم دیگر، باید حریم تخصصی علوم و رشته‌ها شکسته نشود.^۱ بررسی پیرامون روش بین‌رشته‌ای زمینه‌های ایجاد رهیافتی منظم و سیستماتیک را در فعالیت‌های پژوهشی فراهم می‌کند و چگونگی شکل‌گیری جریان‌های فکری و روش‌های تحلیل را در علوم و روش‌شناسی ارتقا می‌بخشد.

به عبارت دیگر بررسی اجمالی و جامع جریان‌های فکری در علم، بیانگر نحوه تأثیر دانش‌های گوناگون بر یک دیگر و زایش شیوه‌ای نو در آن‌ها است. برخلاف برخی رهیافت‌های فکری که در یک اندیشه علمی - تخصصی و در محدوده معینی رشد و نمو کرده‌اند؛ تفکر سیستمی در محیط بین‌رشته‌ای و خارج از محدوده علم معینی متولد می‌شود. همکاری علم سیاست، اقتصاد، تاریخ و فرهنگ از هر حیث مفید است. تفکر سیستمی ضمن تأکید بر تغییر نگرش سنتی بر تفکیک علوم به حوزه‌های تخصصی، بر ترکیب یافته‌های رشته‌های گوناگون علوم نیز توجه دارد.^۲ ماهیت پیچیده انسان و عدم توانایی یک رشته معین در شناخت و تبیین تمام پدیده‌های انسانی، ضرورت مطالعات میان‌رشته‌ای را پیش از هر زمانی روشن می‌کند. بنابراین استفاده از حوزه‌های علمی مختلف و تخصصی در فهم پدیده‌های انسانی می‌تواند فرایند مشترک کارکرد مختلف گونه‌های متنوع علوم انسانی را شکل دهد. به عبارت دیگر هدف از مطالعات میان‌رشته‌ای توجه به اندیشه دیگران در شناخت پدیده‌هاست. در این راه از آنجا که ادبیات و حقوق هر دو شاخه‌ای از فرهنگ محسوب می‌شوند؛ توانایی همکاری موثر با یک دیگر را دارند.^۳

۳-۱- چندتباری بودن دانش

با توجه به این‌که هیچ کدام از شاخه‌های تخصصی و علوم انسانی، دانش کامل نیستند و حتی با فرض کامل بودن آن‌ها مانند ادیان الهی، هیچ دانشمندی به تمام زوایای آن احاطه کامل ندارد و نیز از آنجا که انسان موجودی چند بُعدی و چندوجهی است؛ لذا به طور طبیعی، در مطالعه و حل هر پدیده‌ای نیازمند گونه‌های مختلف علوم، به ویژه در حوزه‌های علوم انسانی است. به عبارت دیگر، انسان‌ها می‌توانند از

۱. برزگر، الف، افتراج، ایده مطالعات میان‌رشته‌ای در ایران، مطالعات میان‌رشته‌ای در ایران، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۵.

۲. ابراهیمی، مرتضی، پیشین، (۱۳۸۶)، ص ۲۶.

۳. فرهنگ هر ملتی به حقوق آن ملت آمیخته است و حقوق هر ملت نیز به نحو بسیار نزدیکی به فرهنگ آن ملت بستگی دارد. (مالوری، ۱۳۸۱، ص ۹).



طریق مواجهه با جهان به واسطه حواس «تجزیه و عقل» برخی گزاره‌ها را اثبات و هندسه معرفت را به اعتبار آن توجیه و تبیین کنند.^۱ طبیعی است در این راه همه گزاره‌ها نمی‌توانند تبیین و توجیه کننده باشند، زیرا نه علم همه آن‌ها در یک فرد جمع است و نه یک پدیده و مسئله برای همه از یک اندازه اهمیت و حساسیت برخوردار است؛ بنابراین نیازمند مشارکت علوم و روش‌های مختلف برای ارزیابی درست پدیده‌ها هستیم. به عبارت دیگر از آن‌جا که نظریه‌ها و دیدگاه‌های علمی، تدریجی الحصول و مسبوق به بسترهای معرفتی گوناگون هستند، در گذر زمان به ظهور نظریه می‌انجامند^۲ و در نتیجه هر کدام از شاخه‌های علمی در پرتو علوم دیگر قابل شناخت و ارزیابی هستند.

با توجه به این‌که تخصصی و گزینشی شدن تحقیقات، تعصب و سخت‌گیری ناشی از بی‌خبری و حصرگرایی در روش‌شناختی را در دوره معاصر افزایش داده، لذا رهیافت‌ها و مطالعات گوناگون برای در امان ماندن از تبعات منفی ناشی از گزینشی بودن، امری لازم و جدی است. به عبارت دیگر مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، تحلیل مسئله در پرتو رهیافت‌ها، رشته‌ها و دانش‌های گوناگون است و رویکرد چندتباری تا حدود زیادی توهم و خطای راه یافته در تحلیل‌ها را برطرف می‌کند.^۳ مطالعات میان‌رشته‌ای، برخلاف نگرش حصرگرایی، نه تنها دیدگاه‌های دیگر را مردود و بی‌ثمر نمی‌داند، بلکه خود را محتاج مواجهه جدی و روشمند با آن‌ها می‌داند و به دور از حصرگرایی روش‌شناختی، از دیدگاه‌های مختلف دیگران بهره می‌گیرد. به عبارت دیگر مطالعات میان‌رشته‌ای به جای تک‌گویی^۴، گفت‌وگو را انتخاب می‌کند. مطالعه میان‌رشته‌ای رویکرد مکانیکی به تخصص‌های دیگر ندارد، بلکه به یافتن رویکردی عمیق‌تر منجر می‌شود تا از طریق گفت‌وگو ضعف‌ها و قوت‌های هر رویکرد علمی معلوم شود و در نهایت نتیجه‌ای عمیق‌تر به دست آید.

۲- چیستی و فواید ادبیات حقوقی

مقایسه بین حقوق و ادبیات در سال‌های اخیر توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. آن‌چه مسلم است این‌که؛ حقوق و ادبیات در گذرگاه‌های گوناگونی کنار هم قرار می‌گیرند. بسیاری از متون ادبی از حقوق بهره می‌گیرند و اعمال حقوقی را مورد بررسی قرار می‌دهند. تعدادی از نویسندگان در

۱. چالمرز، آن، چیستی علم، درآمدی بر مکاتب فلسفی و علم‌شناسی، ترجمه: سعید زیباکلام، تهران، سمت، چاپ ۶، ۱۳۸۴، ص ۱۳۶.

۲. لبرلمی، مرتضی، پیشین، ۱۳۹۳، ص ۲۷.

۳. قرلملکی، فرلمرز، روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۴.

نوشته‌هایشان از حقوق و ادبیات بهره برده‌اند و از قضاوت‌های متعدد ادبی اتخاذ سند می‌کنند. این همگرایی مستمر میان ادبیات و حقوق باعث شده است که بسیاری از پژوهشگران معتقد باشند رابطه‌ای میان این دو وجود دارد و جنبشی به نام «حقوق و ادبیات»^۱ متولد شود.^۲

این جنبش سعی در نشان دادن آن دارد نشان دهد که چگونه آثار ادبی از واقعیت‌های اجتماعی یا روان‌شناختی و حتی از مسائل حقوقی مطالبی را قرض می‌گیرد. بهترین کارهای صورت گرفته میان حقوق و ادبیات نشان دهنده وجود ارتباط و همگرایی است؛ زیرا این کارها بهترین بینش درباره رابطه زیباشناسی و دیدگاه سیاسی، اخلاقی و حقوقی را در جامعه نشان می‌دهد، که بر مبنای روابط میان رشته‌ای هرچند در ظاهر غیر معمول، قابل بررسی است.^۳ قطعاً چنین مطالعه میان‌رشته‌ای دارای فایده‌های فراوانی برای هر دو رشته است؛ که در این‌جا سعی در بررسی برخی از مهم‌ترین آن‌ها را خواهیم داشت.

۲-۱- تأثیر حقوق بر ادبیات

گسترش توانایی انتخاب موضوع برای نویسندگان ادبی، می‌تواند مهم‌ترین کارکرد حقوق برای ادبیات تلقی گردد؛ که در زیر به تفصیل درباره آن صحبت می‌کنیم.^۴

۱-۱-۲- نگارش آثار ادبی با محتوای حقوقی

ادبیات برای آنکه بتواند جامعه و انسان را به درستی توصیف کند، «مجبور به استفاده از روش علمی در خود است. رئالیست‌ها و ناتورالیست‌ها برای رسیدن به این هدف، موضوع‌هایی بر می‌گزینند تا بتوانند مشکلات جامعه را بیان کنند؛ اسناد را به دقت جمع‌آوری و محیط را وسواس‌گونه توصیف می‌کنند و گاهی رمان‌های خود را لبریز از اطلاعات فنی از مشاغل مختلف می‌کنند».^۵ بنابراین یکی از علومی که بسیار در رمان‌های این دوران و تحقق اهداف ادیبان به ویژه ادبیات رئالیستی نقش آفرین بوده، علم حقوق است. ادیبان محتاج روش‌شناسی حقوق‌اند. فی‌المثل یک نفر نمایش‌نامه‌نویس در مورد نشان دادن یک داری اگر به اصول و قواعد آن آشنایی نداشته باشد، نخواهد توانست نمایش صحیح و دقیق

۱. law and literature movement

۲. Thompson, Nicole, *Literature's Influence on the law and legal Actars, A dissertation submitted in partial fulfillment of the degree of Bachelor of laws(with Honours) at the University of otago.* in: <http://www.otago.ac.nz/2012>; p 1.

۳. weisberg: *Ibid*: p ۴-۵

۴. علت آن‌که در حوزه تأثیر حقوق بر ادبیات صرفاً به یک مورد اشاره شد، از یک‌سو هیچ یک از منابع دست اول مورد استفاده در این مقاله به مورد دیگری اشاره کافی نکرده‌اند و از سوی دیگر هدف نویسندگان این پژوهش اشاره و توضیح موارد با اهمیت‌تر بوده است.

۵. فورست، لیلیان و اسکرین، پیتر؛ ناتورالیسم «طبیعت‌گرایی»، ترجمه: حسن افشار، مرکز، چاپ ۱، ۱۳۷۵، صص ۶۰، ۶۱.

در این مورد ارائه کند و یا یک نویسنده در نوشتن داستان‌های جنایی موضوعات نادرست به قلم خواهد آورد و یا حتی خبرنگاری که در صفحه حوادث با قلم داستان‌گونه خود به شرح نتیجه یک دادرسی جنایی می‌پردازد، اگر به اصل برائت آشنا باشد؛ نخواهد نوشت که متهم بی‌گناهی خود را ثابت کرد، بلکه خواهد نوشت که دادگاه بی‌گناهی متهم را اعلام کرد یا رأی به بی‌گناهی متهم داد.^۱ این موضوع نشان می‌دهد که چگونه آثار ادبی از واقعیت‌های پیرامونی خود چون حقوق تغذیه می‌کند و محتوای آثار خود را پیامدهای حقوقی قرار می‌دهد.

یکی از دلایل این موضوع، جذاب بودن مفاهیم حقوقی، به ویژه مسائل جنایی برای جذب مخاطب بیشتر است. برای مثال در ادبیات داستانی - رئالیستی ایران، بخش اعظم داستان‌ها را «عمده‌ترین مسایل انحرافات و آسیب‌های اجتماعی از قبیل: قتل، خودکشی، قاچاق مواد مخدر، اخاذی، اعتیاد، سرقت، فروختن کودک و...» قرار گرفته است.^۲ یا در انگلستان نیز همانند ایران، داستان‌های واقعی ارتکاب جنایت توسط قانون‌گریزان از سده‌های وسطی بخش مهمی از فرهنگ عمومی‌شان را تشکیل داده است. علاقه به این نوع از رمان‌ها، به ویژه در کارهای ابتدایی چارلز دیکنز^۳ در اوایل سده نوزدهم دیده شده و به نوعی چنین مسایل نو موجب ظهور اشکال جدیدی از ادبیات به شکل علمی شده است.^۴

فایده چنین نگاه حقوقی در ادبیات علاوه بر نشان دادن روحیه نویسندگان، تجزیه و تحلیل بهتر آثار آن‌ها که به طور هم‌زمان دارای عملکرد الهام بخش برای خوانندگان است؛ می‌تواند در عصر حاضر موجب قرار گرفتن ادبیات در مقامی بالاتر شود.^۵ البته نگاه به چرایی چنین انتخاب‌هایی توسط اندیشمندان ادبیات کمتر صورت می‌گیرد؛ شاید دلیل آن، نگاه تک‌گویی و تخصصی داشتن آن‌ها به رشته خودشان باشد.

۲-۲- تاثیر ادبیات بر حقوق

باتوجه به آن‌که ارتباط میان دو علم ادبیات و حقوق متقابل است، در این فصل به دنبال بیان تاثیر ادبیات بر حقوق هستیم. البته هیچ‌گاه ادعا نمی‌کنیم که حقوق بدون ادبیات نمی‌تواند وجود داشته باشد اما به کارگیری ادبیات می‌تواند موجب زیبایی و دل‌نشین شدن مطالب حقوقی شود.

۱. کاتبی، حسین‌قلی، ادبیات حقوقی و یا حقوق در ادبیات فارسی، نشریه کانون وکلا، ۱۳۵۴، شماره ۱۳۱، ۱۳۳.

۲. احمدی، امیدعلی؛ مصرف ادبیات داستانی ایرانیان، پژوهشگاه فرهنگ و هنر ارتباطات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ ۱، ۱۳۸۶، ص ۱۳۵.

۳. C. Dickens

۴. Stern, Simon (۲۰۱۴); Law and literature, P Uncorrected proof – Firstproofs, Mon Jul ۱۴, Newgen: pp ۱۱۱-۱۱۲.

۵. chang; Ibid: p ۷۷

منتقدان ادبی تحلیل متن را صرفاً خلاصه‌ای از وقایع داستان و معنا نمودن بیت‌های شعر بر مبنای فرهنگ لغت نمی‌دانند، بلکه معنای متن را از واژه‌های به کار رفته در متن فراتر می‌دانند و بر همین مبنای سعی در پیدا کردن موضوعات مهم‌تر و پیوندهای ضمنی و بیان نشده بین اجزا هستند.^۱ در این راه، منتقدان از ابزارها و روش‌های ادبی برای تحلیل متن بهره می‌گیرند. چنین مواردی در حقوق می‌تواند کاربرد داشته باشد، زیرا «حقوق هم باید تفسیر شود و هم روش‌هایی را برای درک صحیح یک متن حقوقی و قانونی تعیین کند و در این حالت باید به انتظارات مخاطبان هم توجه شود. علاوه بر این موضوع، باید حقوق جنبه استدلال محوری هم داشته باشد تا بتواند در متقاعد کردن دیگران کارساز باشد، برای آن‌که حالت متقاعد کنندگی ایجاد شود، باید از واژه‌هایی با معنای تأثیرگذارتر بهره گرفت. بر همین مبنای ادبیات می‌تواند راه‌کارهای مناسبی در زمینه تفسیر نحوی و روش استدلال به حقوق بیفزاید. یک حقوق‌دان برای خواندن متن حقوقی باید از همان روش تحلیلی که یک منتقد ادبی از آن استفاده می‌کند، بهره بگیرد تا بتواند ضمن آگاهی از واقعیت‌های پشت متن، آن‌ها را استخراج کند»^۲. حتی برای درک و کشف مقصود قانون‌گذار استفاده از مقررات و قواعد ادبی یا منطقی بسیار کارساز خواهد بود.^۳ دلیل این‌که ادبیات از چنین شیوه‌هایی بهره می‌گیرد، از آن روست که معمولاً نویسندگان قصد دارند، خوانندگان را فراتر از متن حرکت دهند. آن‌ها می‌دانند که نوشته‌هایشان توسط دیگران خارج از این فضا و زمان خوانده خواهد شد. بنابراین آن‌ها می‌خواهند معانی را فراتر از اهداف آگاهانه و محدودیت‌های معنایی که توسط خود و معاصرانشان قابل تصور است و به آن‌ها تحمیل می‌شود، بیان کنند.^۴

برخی از اندیشمندان معتقدند اگر ادبیات توانایی آموزش جنبه استدلال محوری را برای حقوق نداشته باشد با این حال توان لرضا محوری دارد^۵، زیرا ادبیات با این گوهرهای تابناک، اذهان خواننده و شنونده را روشن می‌کند و ضمیر آنان از رغبت و هیجان سرشار می‌شود و زمینه استدلال و اثبات را فراهم

۱. کوش، سلینا؛ اصول و مبانی تحلیل متون ادبی، مروارید، چاپ ۱، ۱۳۹۶، ص ۳۹.

۲. Skop, Martin (۲۰۱۵); Law and literature – a Meaningful Connection, *Filozofia Publiczna i Edukacja Demokratyczna Tom IV – ۲۰۱۵*, Humer ۱. S. ۶ – ۲۰. In: [http://www. filozofiapubliczna. amu. ude. pl](http://www.filozofiapubliczna.amu.ude.pl) ISSN ۲۲۹۹-۱۸۷۵, p ۹.

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، چاپ ۱۸، ۱۳۸۶، ص ۳۴۷.

۴. Seaton, James (۲۰۱۳); Law and literature: works, Criticism, and Theory, Volume ۱۱, Issue ۲, *Yale Journal of law the Humanities*, Article A: p. ۴۹۷.

۵. کاتبی، حسین‌قلی، پیشین، ص ۱۵۵.

می‌کند.^۱ حتی پوسنر^۲ به عنوان فردی که مخالف جنبش ادبیات و حقوق است، نتوانسته از تأثیر ادبیات برای زیباسازی استدلال‌های حقوقی غافل شود و آن را پنهان سازد.^۳ بنابراین ادبیات می‌تواند توانایی درک متن را افزایش دهد و به نوبه خود تفسیر و ترکیب متون حقوقی را بهبود بخشد، همچنین ابزارهایی را ارائه کند که در استدلال‌های حقوقی مورد استفاده قرار گیرد و این موضوع می‌تواند حالت متقاعدکنندگی استدلال‌های حقوقی را تقویت کند؛ حتی اگر این خدمت‌رسانی حالت تزئینی به خود بگیرد.

۲-۲-۲- آگاهی بخشی عمومی نسبت به مسائل حقوقی

با مقایسه میان حقوق و ادبیات، مشخص می‌شود که چگونه دو موضوع مختلف یک پارچه می‌شوند. مردم قانون و مسائل حقوقی را از طریق این آثار فرا می‌گیرند و حتی خواندن آثار ادبی توسط مردم عادی موجب می‌شود؛ آن‌ها بیشتر به بشریت و جامعه حساس باشند.^۴ رمان‌نویس و اصولاً ادیبان وقتی که در خصوص حقیقت سخن می‌گویند؛ گفته‌های آن‌ها می‌تواند دارای جنبه‌های آموزشی باشد. برخی بر همین مبنا وظیفه رمان‌نویسان را آموزش خوبی‌ها می‌دانند.^۵ برای مثال، درام‌های دادگاهی که میان مردم محبوبیت دارند، علاوه بر اقناع حس کنجکاوی، می‌تواند بیش از هر هنر دیگری برای انعکاس معیارهای اخلاقی و نشان دادن تبعیض استفاده شود. امکان دارد، آثار بزرگی از موسیقی، نقاشی، مجسمه‌سازی و... وجود داشته باشد؛ اما هیچ یک توان تأثیرگذاری اخلاقی به اندازه ادبیات را ندارند. تجربیات ادبی می‌تواند برای خوانندگان منبع و ابزاری برای آموزش مطالب حقوقی و اخلاقی در نظر گرفته شود.^۶ حتی پوسنر، مخالف جنبش حقوق و ادبیات؛ از تأثیرگذاری ادبیات به عنوان منبعی برای آموزش عمومی نمی‌تواند غافل باشد و آن را انکار کند.^۷

ادبیات و داستان همچنین می‌تواند به عنوان یک منبع برای آموزش بسیاری از مطالب اخلاقی و هنجارهای حقوقی و اجتماعی لازم برای کودکان تلقی شود. مایکل یاپکو^۸؛ روان‌شناس سانتیاگویی در

۱. چنین نگلهی را استاد جعفری لنگرودی با انتخاب عنوان منطق ادبی در یکی از کتاب‌هایشان در حوزه ادبیات به نوعی یادآور می‌شوند.

۲. Posner

۳. Ibid: p ۵۰۵.

۴. chang; Ibid: p ۸۷.

۵. میلر، جی هیلِس، پیشین، ۱۴۵.

۶. seaton: Ibid: p ۵۰۷.

۷. Weisberg; Ibid: p ۱۷.

۸. Micheal yapko.

مقالاتش در مورد روش موثر ارتباط با استفاده از هیپنوتیزم ادعا می‌کند: «داستان در حکم ابزار مخصوص برای آموزش و اجتماعی ساختن انسان‌ها در طول تاریخ مورد استفاده قرار گرفته است.^۱ هر کشوری برای انتقال ارزش‌ها و فرهنگ خود دارای داستان‌ها و افسانه‌هایی است. این داستان‌ها نه تنها برای شکل‌گیری رفتارها به کار گرفته می‌شوند، بلکه به شنوندگان در مورد نتیجه تسلیم شدن و مقاومت نیز آموزش می‌دهند. «عمرت را به خوبی سپری کن»؛ یکی از داستان‌های مسیحیت است که در نتیجه آن به شما پاداش بهشت داده خواهد شد و اما اگر ایمان نداشته باشی و به خوبی زندگی نکنی، جایگاهتان جهنم خواهد بود. ما در افسانه‌های مسیحیان با اصطلاح خوب باشید به کودکان می‌گوییم که بابائوئل به شما عیدی خواهد داد؛ اما اگر بد رفتاری کنید، عیدی در کار نخواهد بود. یا داستان نویسان استرالیایی با بیان این‌که دزدی نکنید یا خودخواه نباشید؛ بیان می‌کنند اگر دزدی کنید یا خودخواه باشید به کلاغ سیاهی تبدیل خواهید شد.^۲ حتی در برنامه‌های عدالت ترمیمی که به دنبال نوعی آموزش‌دهی برای شرم‌سازی؛ زندگی خوب و برطرف کردن اختلافات بین مردم هستند، ادبیات و داستان آن‌جا که تحریک عاطفی مردم سروکار دارد، می‌تواند منبع خوبی برای تأثیرگذاری بیشتر باشد.^۳

۳-۲-۲- راهکاری برای تدریس مباحث حقوقی

یادگیری حقوق به یاری ادبیات آسان‌تر، رنج آن کمتر و سود آن بیشتر است. موج شعر و زیبایی نثر ادبی نشاط تعلیم و تعلم را به اوج خود می‌رساند. جان ویگمر^۴، یکی از افرادی است که تلاش کرد تا کارهای ادبی را برای افزایش دانش عمومی دانشجویان به آن‌ها پیشنهاد کند. همچنین وامبگ^۵ معتقد است: «هر دانشجو چه بخواهد و چه نخواهد با برخی از کارهای ادبی منتخب سر و کار داشته و آشنا است. یک حقوق‌دان نمی‌تواند نسبت به ادبیات و تأثیر آن بی‌توجه باشد.^۶ یا وایت^۷ هم در کتاب تصور حقوقی که در سال ۱۹۷۳ نوشت: «در پی تجزیه و تحلیل آثار ادبی بر آمد. او از این راه تلاش کرد تا بر روی رویه‌های

۱. یاوند حسنی، لصفیر و دیگران، برایم قصه‌ای بگو «اصول قصه درمان‌گری کودک و نوجوان»، مصغای الوند، چاپ ۱، ۱۳۹۶، ص ۱۵.

۲. یاوند حسنی، لصفیر و دیگران، پیشین، ص ۲۲.

۳. Justyna salvai, Dorota (۲۰۱۵); "We can't just tell the good stories": Reflections on Experiences of storytelling and Restorative Justice ; In the school of criminology faculty of Arts and social sciences ; SIMON FRASER UNIVERSITY: p ۳.

۴. J. Wigmore.

۵. E. Wambaugh.

۶. skop, Ibid: ۱۲.

۷. J. B. White.

قضایی تأثیر بگذارد و کتاب خود را مرجعی برای شیوه تدوین قانون و حقوق قرار داد.^۱ برخی با استفاده از این موضوع و شخصیت‌های ادبی داستان‌ها به تحلیل جنبه‌های جرم‌شناختی جرم و جنایت بر می‌آیند. پائول^۲، یک رشته داستان‌های کوتاه را گلچین کرد تا دانشجویان جرم‌شناسی از طریق آن‌ها به درک علل جرم و جنایت از طریق گفت‌وگوی کلاسی نایل شوند. او برای مثال برای توضیح مکتب کلاسیک، از داستان «قتل کاملاً موجه توسط یک پلیس مخفی» جورج برنارد شاو^۳ استفاده کند و این کار پدیده جدیدی نیست.^۴ در حقیقت، متخصصان جرم از این رویکرد برای درک بهتر در پرونده‌های ویژه استفاده می‌کنند.^۵

انواع مختلف ادبیات می‌تواند راهکاری برای توسعه و بهبود شیوه‌های تدریس در درس‌های حقوقی به ویژه جرم‌شناسی باشد. حتی توصیه می‌شود، دوره‌های مطالعاتی برای پژوهش‌های مربوط به ادبیات حقوقی در سطح دانشگاه‌ها راه‌اندازی شود و یک یا دو واحد درسی در مقاطع تحصیلات تکمیلی برای این حوزه بین‌رشته‌ای تعریف شود.

۴-۲-۲- انتقاد و بهبود سیاست‌گذاری در عرصه حقوق

ادبیات، به ویژه ادبیات رئالیستی و ناتورالیستی با توجه به نگاه انتقادی به مسائل پیرامونی، به ویژه در حوزه سیاست جنایی - اعم از سیاست‌جنایی تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی - می‌تواند منبعی برای آگاهسازی سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران برای اصلاح امور تلقی شود.^۶ رمان «روزگار سخت»، توسط یکی از بزرگ‌ترین رمان‌نویسان انگلیسی - چارلز دیکنز - نگاشته شده است. این رمان در خصوص انتقاد کردن نسبت به مسائل پیرامونی خود بسیار فعال عمل کرده است، به‌گونه‌ای که سعی در به تصویر

۱. Ibid: ۱۶.

۲. dow. e paul

۳. Shaw. G. B

۴. Alshiban, Afra saleh, (۲۰۱۳), Exploring criminology in literary texts: Robert Browning an Example; Jordan Journal of Modern languages and literature. Vol. ۵. no. ۱: p ۶۰.

۵. چنین رویکردی در دانشگاه‌های کشور کانادا و تایوان هم مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: (Li-ching chang; ۲۰۰۸, P: ۶۹. Or; Justyna salvail, ۲۰۱۵: ۴).

۶. البته یکی از مواردی که می‌تواند چنین خصلتی را حداقل در ایران تحت الشعاع قرار دهد، فرهنگ ممیزی است. ممیزی از آن جهت که عدم صراحت در زبان را ایجاد می‌کند، پیوند روشن فکر را با مخاطب خود قطع و یا ضعیف می‌کند. مارکس می‌گوید: قوتین ممیزی، تحقق فرایند حق و حقیقت‌گویی ما را به حالت تعلیق در می‌آورد. ممیزی مفعول انعکاس انتقادها، تمایلات و نظر واقعی مردم می‌شود و حکومت نه تنها نمی‌تواند از نظرات افراد مختلف استفاده کند، بلکه نمی‌تواند از آن‌ها مطلع شود. (احمدی، ۱۳۸۶: صص ۵۸ - ۵۹).

کشیدن اتحادیه‌های کارگری، فاصله طبقاتی، نگاه به تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها علیه کارگران دارد.^۱ جرم‌شناسی به‌عنوان شاخه‌ای از علم حقوق با استفاده از آثار خلق شده ادبی می‌تواند درصدد اقناع سیاست‌گذاران برای جرم‌زایی و یا جرم‌زدایی اقدام کند. نمونه‌ای از این موضوع توسط کاترین فلور هایوز^۲ -وکیل و نمایش‌نامه‌نویس- صورت گرفت. او در یکی از نمایش‌نامه‌های خود سعی کرد رژیم هیتلر را برای جرم‌نگاری هم‌جنس‌گرایی در مردان متقاعد کند.^۳ این موضوع به ویژه می‌تواند درباره کودکان و نوجوانان -که حساس‌ترین دوره زندگی خود را سپری می‌کنند- بسیار مفید باشد؛ زیرا بسیاری از آثار ادبیات رئالیستی و ناتورالیستی به مشکلات این قشر توجهی ویژه دارد.

نتیجه‌گیری:

مطالعات میان‌رشته‌ای این امکان را برای دانش‌پژوهان رشته‌های علمی مختلف فراهم می‌کند تا شناخت بهتری از فعالیت‌های علمی یک دیگر به دست آورند. این مطالعات هر کدام از موضع و فرضیات خاص خود که از مشروعیت لازم در چارچوب آن رشته برخوردار است با موضوع برخورد می‌کنند و بحث و تبادل نظر میان آن‌ها و به چالش کشیدن فرضیات هر کدام، آن‌ها را به سوی درکی جدید از موضوع هدایت می‌کند.

اگر توسعه میان‌رشته‌ای‌ها در عمل بتواند این مهم را محقق کند، می‌توان نقش موثری در رشد علوم به ویژه علوم انسانی در کشور داشته باشد. حقوق خواسته و ناخواسته عرصه محک و آزمایش نظریه‌های فلسفی و جامعه‌شناسی و برخی علوم دیگر قرار گرفته است و در این مسیر نمی‌توان از ادبیات و اندیشه‌های ادبی که خود نوعی آوردگاه مفاهیم نظری و عملی است، غافل شد. ادبیات و حقوق دو پدیده فرهنگی موازی هم هستند. هر دو آن‌ها به دنبال شکل دادن به واقعیت از طریق زبان هستند و هر دو آن‌ها علاقه‌مند به ماهیت‌ها و موضوعات مبهم، تفسیر انتزاعی و قضاوت‌های انسان دوستانه هستند. همچنین هر دو آن‌ها دارای فعالیت‌های تحلیلی‌ای هستند که ما را در ترکیب برخی از توصیف واقعیت‌ها و قضاوت‌های اخلاقی یاری می‌کند. حقوق می‌تواند موجب گسترش موضوع و جذاب‌تر شدن ادبیات برای خوانندگان شود و ادبیات هم برای حقوق می‌تواند ابزاری برای آگاه‌سازی عمومی باشد و با انتقادهای خود راهی برای بهبود و اصلاح سیاست‌های تقنینی و اجرایی فراهم کند.

۱. Seaton; ۲۰۱۳: P. ۴۸۸.

۲. Catrin Pflur Huws

۳. Shaw Julia J. A. (۲۰۱۴); Introduction to the Special Issue on Law and Literature; Liverpool Law Review April ۲۰۱۴, Volume ۳۵, Issue ۱, pp ۱-۶ | Cite: p ۲.

حُسن ختام کارمان را این عبارت حسین‌قلی کاتبی قرار می‌دهیم: «بسیار کسان خاصه تازه‌کاران و ناآشنایان با مقام والای ادبیات گمان دارند که در سخن فارسی نصوص حقوقی و مضامین قضایی نه چندان است که تحقیق و تتبع را شاید و یادگیری آن در زندگی به کار آید. اما چون به گنجینه جاودان ادب فارسی دست یازند و به نکته‌ها و ظریفه‌های آن آگاهی یابند از این اشتباه برون آیند و بر این حقیقت واقف شوند که در این گنج شایگان گوهرهای گران‌بها نهفته و در این شبستان معنی فرشتگان زیبا خفته‌اند:

قافیه سنجان چو علم برکشند گنج دو عالم به قلم در کشند

خاصه کلیدی که در گنج راست زیر زبان مرد سخن سنج راست.

در این‌جا به همین بسنده می‌کنم و چون به ارزش و اهمیت کار واقفم، خود را معذور می‌دارم که اگر نتوانم حق مطلب را ادا کنم؛ باری از پویندگان این راه باشم و گوشه‌هایی هر چند ناچیز را نمایان کنم. اینک برآنم که از انجام شدنی دست باز ندارم که انجام ناشدنی در جهان فراوان است. آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید»^۱



۱. کاتبی، حسین‌قلی، پیشین، صص ۱۵۵ و ۱۵۶.

الف - منابع فارسی:

۱. ابراهیمی، مرتضی (۱۳۹۳)، «بررسی ضرورت‌های مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۶، شماره ۲.
۲. احمدوند، شجاع و حمیدی، سمیه (۱۳۹۲)، «چهار روایت در فهم معنای مطالعات میان‌رشته‌ای»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۲۱.
۳. احمدی، امیدعلی (۱۳۸۶)، مصرف ادبیات داستانی ایرانیان، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر ارتباطات - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. آزمایش، سیدعلی (۱۳۹۳)، نشست دو سالانه انجمن حقوق‌شناسی، قابل دسترس است در سایت: <https://www.atnanews.ir/archives/۷۴۷۶۰>.
۵. ایمانی، عباس (۱۳۹۰)، جرم‌شناسی در ادبیات، چاپ اول، نامه هستی.
۶. برزگر، الف (۱۳۸۶)، اقتراح ایده مطالعات میان‌رشته‌ای در ایران، مطالعات میان‌رشته‌ای در ایران، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
۷. پورحسن سنگری، علی (۱۳۹۲)، «بررسی قصه‌های کلیله و دمنه از منظر جرم‌شناسی و سیاست جنایی»، فصل‌نامه تعالی حقوق، سال پنجم، شماره پنج، زمستان.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، ترمینولوژی حقوق، چاپ هجدهم، گنج دانش.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۶)، منطق ادبی، چاپ دوم، گنج دانش.
۱۰. خورسندی طاسکوه (۱۳۸۸)، «تنوع گونه شناختی در آموزش و پژوهش میان‌رشته‌ای»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شماره چهارم.
۱۱. چالمرز، آ. ن (۱۳۸۴)، چیستی علم، درآمدی بر مکاتب فلسفی و علم‌شناسی، چاپ ششم، ترجمه: سعید زیباکلام، تهران، سمت.
۱۲. رستمی، هادی و مولایی، علی (۱۳۹۶)، «خوانش‌های جرم‌شناسانه آثار سعدی (با تأکید بر گلستان و بوستان)»، فصل‌نامه تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۷۷.
۱۳. فورست، لیلیان و اسکرین، پیتر (۱۳۷۵)، ناتورالیسم «طبیعت‌گرایی»، ترجمه: حسن افشار، چاپ اول، مرکز.
۱۴. قراملکی، فرامرز (۱۳۸۳)، اصول و فنون پژوهش در گستره دین‌پژوهی، قم، مرکز مدیریت حوزه

۱۵. قراملکی، فرامرز (۱۳۸۰)، روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۶. قاسمی، علی اصغر و امامی میبیدی، راضیه (۱۳۹۴): «تقش جایگاه مطالعات میان‌رشته‌ای در رشد و توسعه علوم انسانی در کشور»: فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره هفتم، شماره چهارم.
۱۷. کاتبی، حسین‌قلی (۱۳۵۴) «ادبیات حقوقی و یا حقوق در ادبیات فارسی»، نشریه کانون وکلا، شماره ۱۳۱ و ۱۳۲.
۱۸. کوش، سلینا (۱۳۹۶) اصول و مبانی تحلیل متون ادبی، چاپ اول، مروارید.
۱۹. مالوری، فیلیپ (۱۳۸۱) ادبیات و حقوق، مترجم: کلانتریان، مرتضی، چاپ نخست، آگاه.
۲۰. میلر، جی. هیلپس (۱۳۸۴) پیرامون ادبیات، ترجمه: علی اصغر ابراهیمی، چاپ اول، نی.
۲۱. یاوند حسنی، اصغر و دیگران (۱۳۹۶) «اصول قصه‌ای بگو» «اصول قصه درمان‌گری کودک و نوجوان»، چاپ اول، مصفای الوند.

ب- منابع انگلیسی:

۲۲. Alshiban, Afra saleh, (۲۰۱۳), Exploring criminology in literary texts: Robert Browning an Example; Jordan Journal of Modern languages and literature. Vol. ۵. no. ۱.
۲۳. Justyna salvail, Dorota (۲۰۱۵); We can't just tell the good stories ": Reflections on Experiences of storytelling and Restorative Justice ; In the school of criminology faculty of Arts and social sciences ; SIMON FRASER UNIVERSITY
۲۴. Li-ching chang. (۲۰۰۸); The research of comparison between law and literature as illustrated by kafka's the Trial; National Taiwan university law reiew.
۲۵. Seaton, James (۲۰۱۳); Law and literature: works, Criticism, and Theory, Volume ۱۱, Issue ۲, Yale Journal of law the Humanities, Article ۸.
۲۶. Shaw Julia J. A. (۲۰۱۴); Introduction to the Special Issue on Law and Literature; Liverpool Law Review April ۲۰۱۴, Volume ۳۵, Issue ۱, pp ۱-۶| Cite.
۲۷. Skop, Martin (۲۰۱۵); Law and literature – a Meaningful Connection, Filozofia Publiczna i Edukacja Demokratyczna Tom Iv – ۲۰۱۵. Humer ۱. S. ۶ – ۲۰. In: <http://www.filozofiapubliczna.amu.ude.pl> ISSH ۲۲۹۹-۱۸۷۵.
۲۸. Stern, Simon (۲۰۱۴); Law and literature, P Uncorrected proof – Firstproofs, Mon Jul ۱۴, Newgen.
- Thompson ,Nicole, ,Literature's Influence on the law and legal Actars, A dissertation submitted in partial fulfillment of the degree of Bachelor of laws(with Honours) at the University of otago. in: <http://www.otago.ac.nz/۲۰۱۲>.
۲۹. Weisberg, Robert (۲۰۱۳); The law – literature Enterprise. Volume ۱, Issue ۱, Yale Journal of law the Humanities, Article ۴.

Literature and Law in Interdisciplinary Studies

Amin Jafari^۱
Ali Molabeygi^۲

Abstract

Interdisciplinary studies interact between two or more disciplines and provide context for the growth and development of science and enhance their ability to solve complex and multifaceted problems. This interaction can range from simple exchange of opinions to cross-convergence of concepts, methodology, procedures, epistemology, data terminology, organization of research and education in a wider field. Literature and Law Since they have the same issues for discussion, they have given rise to interdisciplinary approaches to these two domains, and they should not be construed as one of the most logical and emotional state of mind. "Legal literature", while expanding the scope of the subject for writing stories, leads to the emergence of dry and debatable legal issues and provides a way to teach law schools, public awareness, as well as the possibility of criticizing legislative and executive policy.

Keywords: Interdisciplinary studies, Literature, Law, Legal Literature



۱. Assistant Professor in Criminal Law and Criminology , Faculty of Law and Political Science Allameh Tabatabai University

۲. Ph.D. student in Criminal Law, From Allameh Tabatabai University